

## جانوران در باور و اساطیر ایران باستان

سلیمان اسکندری راد

کارشناس ارشد تاریخ ایران، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور شوشتر

Soleyrad@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶)

### چکیده

اسطوره از خانواده ی روایت‌هایی است که هستی را آنگونه که بشر روزگار باستان دریافت می‌کرده است، به نمایش می‌گذارد و چنین وامی‌نماید که حقایقی ازلی با اعتبار ابدی را در خود دارد. از گونه های بسیار مهم اسطوره، اسطوره‌ی آغاز است که سرآغازها را آنگونه که بشر روزگاران باستان بدان باور داشته است، روایت می‌کند. در این مقاله، به بررسی سرآغاز جانوران از دریچه‌ی باورهای اساطیری ایرانیان باستان پرداخته ایم. در چنین پژوهشی نباید از یاد برد که بیشتر نزدیک به همه‌ی متون ایرانی باستان و میانه مفقود شده‌اند، اما محتوای برخی از آنها به طور کامل یا ناقص و به طرق گوناگونی چون ترجمه، تلخیص، اقتباس، ردیه نویسی، در متون دوره‌ی اسلامی برجای مانده است. برخی از این متون، سخت مغشوش‌اند، اما برخی دیگر از قبیل سنی ملوک الارض و الانبیاء اثر حمزه اصفهانی و زین الاخبار اثر گردیزی دقتی شگفت دارند، آن‌گونه که پاره‌ای از این دو منبع، یادآور اوستا، وداها و منابع یونانی باستان است.

واژگان کلیدی: اسطوره، ایران باستان، جانوران، متون تاریخی

## مقدمه

براساس یک بخش‌بندی متعارف شده، که به رغم فقدان جامعیت، بدیهی به نظر می‌رسد، جانداران ساکن زمین، یا گیاه اند یا جانور. اما در باور ایرانیان کهن، تنها پنج گونه از جانداران، مشمول عنوان جانور بودند. این پنج گونه، که جانوران ایزدی به شمار می‌آیند، هر یک سودی به آفرینش می‌رسانند. در برابر آنها، جانداران اهریمنی اند که معروف‌ترینشان خرفستران‌اند.<sup>۱</sup> بر این اساس، جاندارانی که در عرف زبان فارسی جانور خوانده می‌شوند، در باورهای اساطیری ایرانیان باستان، بر دو گروه جانوران و خرفستران اند که بر ساخته و برآمده از دو نیروی نیکی و بدی یا روشنی و تاریکی یا هرمزد و گاه سپندمینو- و اهریمن- و گاه دیوان اند و به تبع بُنی که از آن برآمده‌اند، ساختار و هدفی ویژه دارند. فرایند آفرینش و پیدایش جانوران و خرفستران را باید تابعی از کشاکش‌ها و کوشش‌های دو نیروی نیکی و بدی دانست. به تعبیر دیگر، آفرینش و پیدایش جانورن و خرفستران، بخشی از نبرد کیهانی است که از بیرون آمدن اهریمن از دخمه‌ی تاریکش و آمدن به مرز جهان روشنایی و دیدن هستی روشن و زیبای ایزدی آغاز شد و اهریمن رشک‌مایه بر آن هستی زیبای روشن، رشک برد و به دخمه‌ی تاریکش بازگشت و هستی‌هایی زشت و پوسیده و تاریک را بر ساخت تا افزارهای او باشد برای درتاختن به هستی روشن و زیبای هرمزد آفریده (فرن‌بغ

دادگی، ۱۳۶۹، صص ۳۶-۳۴) "چنین گویند به دین که سه هزار سال هستی مینویی بود که آفرینش بی‌اندیشه و بی‌جنبش و نابسودنی بود (که) هزاره‌ی خدایی بره، گاو و دو پیکر بود" (همان، صص ۱۱۵) و از پس آن بود که اهریمن از دخمه‌ی تاریکش برآمد و جهان روشنی را دید و بازگشت و افزارهای درتاختن بدان جهان را ساخت و باز به مرز روشنی آمد (همان، صص ۳۶-۳۴). هرمزد، او را به راستی فراخواند و چون اهریمن نپذیرفت، هرمزد به یک خواندن آهون وئیزیه او را بی‌هوش کرد (همان، صص ۳۵) و "چون اهریمن به گیجی از کار بیفتاد- چنان که فراز نوبتم- سه هزار سال به گیجی فروماند. در آن از کارافتادگی آن اهریمن، هرمزد آفریدگان را به صورت مادی آفرید. از روشنی بی‌کران آتش، از آتش باد، از باد آب، از آب زمین و همه‌ی هستی مادی را فراز آفرید." (همان، صص ۳۹) بر این اساس، پیدایش خرفستران در سه هزار سال دوم آفرینش بود تا افزارهایی باشد برای درتاختن اهریمن به جهان روشنی و هرمزد نیز، در برابر، جانوران را به پیکر گیتیک درآورد و هر یک را جایگاهی داد تا ساخته و آماده باشند برای تاختن بر اهریمن و ساخته‌های زشت و پوسیده‌ی او. اما به نظر می‌رسد که آفرینش بیشتر جانوران- اگر نه همه‌ی آنان- پیش از این و در سه هزار سال نخست، یعنی در هزاره‌های بره، گاو، و دو پیکر و به صورت مینویی باشد و آنچه در سه هزار سال دوم رخ داد، تنها در آمدن جانوران به پیکر گیتیک بوده است تا با اهریمن و ساخته‌های

<sup>۱</sup> xrafstra

او نبرد کنند. مویذ این نظر این است که در بندهش می‌خوانیم که هرمزد در سه هزار سال دوم "آفریدگان را به صورت مادی آفرید" (همان، ص ۳۹). و در همین متن می‌خوانیم که چون هرمزد به خرد همه آگاه، تاختن اهریمن را دانست، تدبیر آن ساخت و "او برای همه ی آفرینش آغازین جهان، جایگاه ساخت که چون اهریمن رسد به مقابله ی دشمن خویش کوشد و آفریدگان را از آن پتیارگی رهایی بخشد". (همان، ص ۴۳) و پیشاپیش می‌دانیم که آفرینش نخستین، آفرینش مینویی و غیر مادی بوده است که در سه هزار سال نخست، رخ داده است (همان، ص ۱۵۵). جانوران به سان همه ی آفرینش ایزدی، دارای غایتی اندیشیده و نیک (همان، ص ۶۳) و برآمده از خردند (مینوی خرد ۱۳۵۴، صص ۷۲-۷۲، ۴) و در تقابل با جانوران، خرف‌ستران به تبع بن تاریکشان بر کین ورزی و نابود کردن هستی ایزدی آفریده شده‌اند (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۵۲). از آنجا که مبدا هستی، روشنایی است و درآمدن هستی به پیکره ی گیتیک، (مادی) ناشی از آرایش هستی روشن به نیستی تاریک گیتیک (مادی) و برای پالوده هستی و رسیدن دوباره به روشنایی محض است، بنابراین آفرینش جانوران و سپس درآمدن آنان به پیکر گیتیک، حلقه ای است از زنجیره ی بزرگ و ممتد رویدادها که غرض و غایتشان پالودن هستی از تاریکی و زشتی و بدی است. بر این اساس، چنان که در بررسی تک‌تک جانوران در چارچوب اسطوره ی آغاز خواهیم دید، آفریدن

برخی جانوران برای نبرد با اهریمن و مقابله با تازش او به جهان روشنی است و آفریدن برخی دیگر از جانوران، جنبه ی پیشگیری دارد و برای جلوگیری از افزایش جهان بدی و پدید آمدن گونه های تازه ی جانداران اهریمنی است. در آن گروه از جانوران که برای نبرد با جهان بدی بر ساخته شدند، برخی آفریده شدند تا اهریمن و دیوان را بشکنند، چنان که آفرینش پرندگان چنین بود (همان، ص ۱۰۲) و آفریدن برخی از جانوران برای خدمت به دیگر جانداران ایزدی است که غرض از آفریدنشان نبرد با اهریمن و جهان تاریکی است، چنانچه گوسفندان به پیکر گیتیک درآمدند تا مردمان که برای شکستن اهریمن آفریده شدند، آنان را بخورند (روایت پهلوی ۱۳۶۷، ص ۱۹) و به نیرو باشند. در آن گروه از جانوران نیز که غرض از آفریدنشان پیشگیری از افزایش جهان بدی است، شاهین را می‌یابیم که آفریده شد تا اهریمن جای خالی او را در طبقات هستی، با آفریدن گرگ پر نکند و اگر اهریمن چنین می‌کرد هستی را زیانی بسیار بیشتر از آن می‌رسید که از بودن شاهین می‌رسد (فرنبغ، ۱۳۶۹، ص ۷۸). بنابراین، آفرینش جانوران و درآمدن آنان به پیکر گیتیک-حتی آن جانوران که خون می‌ریزند و به نابودی دیگر جانوران می‌کوشند- کلی پیوسته، اندیشیده و هدفمند است که غایت نهایی آن شکستن اهریمن و بر ساخته‌های زشت و بد و تاریک اوست و این همه، جزئی از یک فرایند بزرگ است برای پالودن هستی روشن هرمزد آفریده از تاریکی اهریمنی.

مفهومی مثبت و دلالتی نیک دارد و تنها پنج گونه از جانداران را دربر می گیرد. این پنج گونه که جانوران پنجگانه یا، به تعبیر دقیق، "گاوان پنجگانه" نام دارند، جانوارن ایزدی به شمار می-آیند، هر یک سودی به آفرینش می رسانند و آفرینش آنان و درآمدشان به پیکر گیتیک (مادی) با هدف پالودن هستی از تاریکی و بدی و یاری رساندن به فرایندی است که غایتش رسید به هستی تمام روشن است.

### جانوران پنجگانه

در مقاطع گوناگون اوستا، جانوران پنجگانه بدین صورت نام برده شده اند: "(زورت) نوید می دهم، به جای می آورم، از برای ردان مینوی، از برای ردان جهانی، از برای ردان (جانداران) آبی، از برای ردان (جانداران) زیرزمینی، از برای ردان پرندگان، از برای ردان (جانداران) دشتی، از برای ردان چرخندگان، از برای پاکان (و) ردان پاکی" (ویسپرد، ۲۵۳۷: کرده ی ۱، پاره ی ۱). " تمام مخلوقات خرد مقدوس خرد مقدس (سپتتامینو) مشتاق دیدارند، آنهایی که در زیر زمین به سر می برند و آنهایی که در روی زمین به سر می برند و آنهایی که در آب و آنهایی که در خشکی زندگی می کنند و آنهایی که پرنده و خزنده اند و آنهایی که در محل آزاد جای گزینند و آنچه در (عالم) بالا که از آفرینش بی انجام و بی آغاز راستی (اشا) نامیده می شود..." (یشتها، ۱۳۷۷: تیرپشت، فقره ی ۴۸). "با این زرو و برسم، روان مینوی را خواستار ستاییدنم. ردان جهانی را خواستار

در برابر آفرینش روشن اندیشیده‌ی هدفمند جانوران، اهریمن نیز دیوان و خرفستران را برای تسخیر هستی آفرید. اهریمن برای درآمدن به هستی روشن درجهان تاریک خود بسیار افزارها بر ساخت (همان، ص ۳۴) و خرفستران که جانوران اهریمنی و زشت آفریده اند، از شمار این افزارها بودند (همان، ص ۳۶) بنابراین بر ساختن خرفستران نیز، جزیی از فرایندی بزرگ است برای آلودن هستی روشن به تاریکی و سرانجام سیطره‌ی تاریکی بر تمام هستی، اما به سبب عقب ماندگی فکری اهریمن، هر خرفستری که او بر ساخت، توانا تر از آن را هر مزد آفرید: "هر مزد به همه آگاهی دانست که اهریمن هست، بر تازد و (جهان را) به رشک‌کامگی (فرو) گیرد و چگونه از آغاز تا فرجام با چه و چند افزاران بیامیزد. (پس) او به مینویی، آن آفریدگان را که (برای مقابله) با آن افزار در بایست، فراز آفرید" (همان، ص ۳۴). و بدین سان بود که برای خرفستران، سرانجامی جز تباه شدن و نابودی نماند و چون فرشگرد و رستاخیز شود، اهریمن و همه‌ی جهان تاریکی بر خواهند افتاد (ترجمه ی چند متن پهلوی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷) و این سرانجام خرفستران است که جزیی از جهان تاریکی اند.

### جانوران

نام جانور، چنان که در باورهای اساطیری ایرانیان باستان به کار رفته است، حوزه‌ی دلالتی محدودتر از کاربرد این واژه در زبان فارسی و باور ایرانیان فارسی زبان دارد. جانور، بنابر این کاربرد،

ک: مینوی خرد، ۱۳۵۴ ص ۷۰، گات‌ها، ۱۳۷۸: اشتود- گات‌ها، ۴۶۴، بند۴، ویسپرد، ۲۵۳۷، کرده ۱، پاره ۹، کرده ۲، پاره ۱۱، کرده ۱، پاره ۹، ارداویراف نامه ۱۳۷۲، صص ۵۸-۵۵، سزاواری جانوران پنجگانه چنان است که هرکه در پی پروردن آنها نباشد، از دروغ پرستان است (گات‌ها، ۱۳۷۸: اشتودگات، هات ۴۶، بند ۴) و آزدن آنها گناه و ترک اولی است و توبه را ناچار می سازد (مینوی خرد، ۱۳۵۴، ص ۷۰) و باید روان آنها را چنان ستود که روان مردان و زنان پارسا را (یشت‌ها، ۱۳۷۷: فروردین یشت، فقره ۱۵۴). هرمزد، جانوران را در انواع بسیار آفرید: "او جانوران را در انواع گوناگون آفرید که اگر اهریمن یکی را نابود کند، یکی دیگر بماند و به سبب ناتوانی در از میان بردن، کوشش به نابود کردن کم کند" (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹ ص ۷۸). هدف از آفرینش جانوران نیز شکست دادن اهریمن و رسیدن به پیروزی آفرینش ایزدی بود: "روان های جانوران سودمند دشتی را می ستاییم. اینک روان های مردان و زنان پاک را، در هر جایی زاییده شده باشند. آنانی که نهادشان از بریا پیروزی راستی می کوشد و خواهد کوشید و کوشیده است" (یسنا، ۲۵۳۶: هات ۳۹، بند ۲). گذشته از هرمزد (یسنا، ۲۵۳۶، هات ۵، بند ۱) و خرد مقدس او که سپنتامینو است (یشت‌ها، ۱۳۷۷: تیریشت، فقره ۴۸)، در آفرینش جانوران پنجگانه سپندارمذ نیز سهم بود. "سپندارمذ را خویشکاری پرورش آفریدگان است، که هر چیز را در حق آفریدگان کامل بکردن است. او را (در) گیتی، زمین

ستاییدم، ردان (جانداران) آبی را خواستار ستاییدم، ردان (جانداران) زمینی را خواستار ستاییدم، ردان (جانداران) پرند را خواستار ستاییدم. ردان (جانداران) دشتی را خواستار ستاییدم. ردان (جانداران) چرخنده را خواستار ستاییدم،" (ویسپرد، ۲۵۳۷: کرده ۲، پاره ۱). در روی این زمین "گیاه های گوناگون می روید برای نگهداری ستوران و مردمان، نگهداری ممالک ایران، برای نگهداری، ردان پاک" (یشت-ها، ۱۳۷۷: فروردین یشت، فقره ۱۰) این جانوران پنجگانه که همه جانوران سودمندند، در اصل گاو پنجگانه نام دارند، چنان که در اصل فقره ۱۰ دهم فروردین یشت نیز نام گاو (گنوس) پنجگانه آمده است و گاو مطابق این کاربرد، نام عمومی جانوران سودمند است، اما در زبان فارسی، به گونه‌ی خاصی از جانوران سودمند، تخصیص یافته است. جانوران پنجگانه، یا دقیق‌تر، گاو پنجگانه، بر اساس آنچه در سطور گذشته از اوستا نقل شد، عبارتند از: ۱. جانوران آبی، ۲. جانورانی که در سوراخ‌ها زندگی می‌کنند، ۳. پرندگان، ۴. چرخندگان، ۵. جانورانی که رها در دشت‌ها زندگی می‌کنند (رک: یشت‌ها، ۱۳۷۷: ج ۲/۶۱، پاورقی ۱). جانوران پنجگانه آفریده‌ی خرد پاک هرمزد، یعنی سپنتامینو (یسنا ۲۵۳۶: هات ۵۸، بند ۶، یشت‌ها، ۱۳۷۷: تیریشت، فقره ۴۸) و سزاوار یزش و ستایش‌اند (ویسپرد، ۲۵۳۷، کرده ۱، پاره ۱، کرده ۲، پاره ۱). این جانوران در باور ایرانیان باستان حقوق داشتند و بر حقوق آنان در منابع متعدد، آشکار و نهان، تاکید شده است (ر-

ستاره‌ای فروهری است و تعدادی از ستارگان، فروهر گوسفندان اند (رک: مینوی خرد، ۱۳۵۴، ص ۶۷) این ستارگان، "ستاره‌ی گوسفند چهره" نام دارند و خویش کاری آنان افزایش جانوران پنج گانه است (همان: ص ۶۶). هر بخش از تن جانوران از آن ایزدی و فروهری است (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۷۷-۷۶) و پس از مرگ به همان ایزدی می‌پیوندد (فرنبنگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۴۹). در تن جانوران پنجگانه به سان تمام آفریدگان مادی مزدا، آتش هست. آتشی که در تن جانوران است، از آتش تن مردمان است و هوفریان نام دارد (یسنا، هات ۲۵۳۶: ۱۷، بند ۱۱). همان‌گونه که هرمزد چون خواست مینوی آتش را به پیکر مادی درآورد، آتش ابتدا تن زد و پذیرفت (روایت- پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۵۵) جانوران پنجگانه نیز ابتدا از آمدن به جهان مادی تن می‌زدند: "۱. جایی پیداست که هرمزد به گوسفندان گفت که: "تن به گیتی دهید تا همانا مردمان شما را بخورند!" ۲. و گوسفندان بدی را که اکنون از مردمان بدیشان می‌رسد، آنگاه به مینوی دیدند، با هرمزد بسیار نبرد و پیکار کردند (= بحث و مجادله کردند)؛ ۳. پس هرمزد با ایشان پیمان کرد که تن بدهید، آنچه گناه کنید، پس بر ذمه‌ی شما نباشد، اما تن ندادند؛ ۴. پس گوسفندان گفتند: "گناهی که ما کنیم بر ذمه‌ی چه کسی باشد؟"؛ ۵. هرمزد گفت: "آنکه گوشت شما را بخورد و دست در گناه دارد. همه‌ی گناهی که گوسفند کند بر ذمه‌ی او باشد؛ ۶. زیرا کسی که ماهی کوچکی را

خویش است. چنین گوید که "سپندارمذ نیکوی (گله اوبار) کمال اندیش (راد) فراخ بین هرمزد آفریده ی پرهیزگار" (فرنبنگ دلدادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۴). "از آن تو بود سپندارمذ نیز از آن تو بود سازنده ی جانداران" (کات ها، ۱۳۷۸. اهنودگات، هات ۳۱، بند ۹). "دیگر از مینویان، بهمن است. او از افرینش مادی، انواع گوسفند را به خویش پذیرفت. به یاری و همکاری او ماه و گوش و رامو سپهر خدای و زروان بیکرانه و زروان درنگ خدای داده شدند. او گوسفند را به ۵ بخش آفرید: تن، جان، روان، آئینه و مینو که تا در (دوران) اهریمنی، گوشورون تخمه‌ی گوسفندان را از ماه بپذیرد و به یاری رام نیکو در جهان رواج بخشد. چون می‌رند، تن به (زمین؛ جان به) گوشورون؛ روان به دم؛ آئینه به ماه؛ مینو به بهمن پیوندد تا توان بمیراندن نباشد" (فرنبنگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۴۹). در این پاره که نقل شد، گوسفند معادل مطلق جانوران سودمند است، هرچند که امروزه به گونه‌ی خاصی ازین جانوران تخصیص یافته است. در روایت پهلوی نیز می‌خوانیم که گوسفند بر دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه است از جمله مرغابی و ماهی و پرنده و ... (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۵۵). جوهر و عرض جانوران پنجگانه در ماه آفریده شد و درخشندگی ماه علاوه بر آنکه از جوهر و عرض اوست، از جوهر و عرض جانوران نیز هست (همان، ص ۸۳). جانوران نیز مانند تمام آفریدگان ایزدی مادی، علاوه بر هستی مادی، نمود مینویی نیز دارند که فروهر آنان است؛ هر

خورده باشد؛ گناه کند و نیز اگر مردی شتری را بکشد، پس بر ذمه اش است" (همان ۱۹).

## ۲. استر

پیدایش و به کارگیری استر به روزگار طهمورث بود (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱/۱۲۹؛ رک: "شتر"؛ اما دیگر منابع، پیدایش استر را به روزگار فریدون دانسته- اند و به نظر می‌رسد که همه نیز خبری واحد از منبعی قدیم‌تر را تکرار می‌کنند. چنان‌که گردیزی می‌نویسد: فریدون "خر را بر اسب افکند تا استر تولد کرد" (گردیزی، ۱۳۴۷: ص ۶) و مستوفی نزدیک به همین عبارت در اخبار عهد فریدون می‌نویسد: "خر بر مادیان در عصر او جهانی‌دند تا از ایشان استر آمد" (مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۴). حمزه‌ی اصفهانی می‌نویسد: فریدون "برای به وجود آمدن استر، خر را با اسب آمیزش داد و بدین سبب استر نیروی خر و سبک پایی اسب را مجموعاً داراست" (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶، ص ۳۳).

## ۳. پرندگان

پرندگان نیز از شمار جانوران پنجگانه‌اند و آفرینش آنان به مانند سایر جانوران پنجگانه است (رک: جانوران پنجگانه). پرندگان جزء دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه گوسفندند که از منی گاویکتا آفریده پدید آمدند آنگاه که گاویکتا آفریده از تاختن اهریمن بر او کشته شد و منی او بر زمین ریخت (روایت پهلوی ۱۳۶۷: صص ۵۵-۵۴). آفرینش پرندگان دهمین کار از دوازده‌کاری بود که به جای آوردنشان برای هرمزد دشوارتر از فرسگرد کردن و برپا ساختن رستاخیز بود (همان، ۶۶). افزایش پرندگان برای

## پیدایش و پرورش جانوران

### ۱. اسب

اسب در شمار جانوران پنجگانه نام برده شده است (رک: جانوران پنجگانه) و از دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه گوسفندی است که از منی گاو یکتا آفریده پدید آمدند، آنگاه که آن گاو از تاخت اهریمن کشته شد (همان، صص ۵۵-۵۴). اسب مانند تمام جانوران پنجگانه، مقدس و دارای حقوق است و زیر پا نهادن حقوقش، گناهی است مستوجب توبه (رک: جانوران پنجگانه). هرودوت (۱۳۳۶: ۱/۳۶۴) از تقدس اسب در نزد ایرانیان گزارش داده است. در انتهای بسیاری از نام‌های ایرانی "اسب" را مشاهده می‌کنیم چون گشتاسب، لهراسب، طهماسب، جاماسب. بسیاری از ایزدان و فرورها نیز دارای اسب توصیف شده‌اند، مانند مهر (یشت‌ها، ۱۳۷۷: مهریشت، فقره ۶۸) و سروش (همان، سروش یشت، فقره ۲۶) و ناهید (همان، آبان یشت، فقرات ۱۱، ۱۳) یا به هیأت اسب تجلی کرده‌اند، مانند تشر (همان، تیریشت، فقره ۱۸). نخستین کسی که اسب را به کار گرفت، طهمورث بود: "زینت [ملوک] و بر اسب نشستن و زین بر نهادن او آورد" (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱/۱۲۹). فردوسی (۱۹۶۵: ۱/۳۶) نیز طهمورث را به کار گیرنده‌ی اسب معرفی کرده است:

که کار تو همه کشتن مرغان است و سیر نمی- شوی و کام اهریمن بیش می‌ورزی تا کام من" اما اگر تو، مرغ شاهین، را نمی‌آفریدم، آنگاه اهریمن، گرگ‌پر دار را به سان تن تو می‌آفرید و نمی- گذاشت آفریدگان زیست کنند" (فرنبنگ دادگی ۱۳۶۹، ص ۷۸).

### ۲-۳. خانگی و دست آموز کردن پرندگان

مطابق روایت فردوسی، طهمورث تعدادی از مرغان شکاری را دست آموز کرد و ماکیان و خروس را خانگی کرد:

ز مرغان مر آن را که بد نیک تاز  
چو باز و چو شاهین گردن فراز  
بیاورد و آموختن شان گرفت  
جهانی بدو مانده اندر شگفت  
چو این کرده شد ماکیان و خروس  
کجا بر خروشد گه زخم کوس  
بیاورد و یکسر به مردم کشید  
نهفته هم سودمندش گزید  
بفرمودشان تا نوازند گرم  
نخوانندشان جز به آواز نرم  
چنین گفت کاین را ستایش کنید  
جهان آفرین را نیایش کنید  
(فردوسی ۱۹۶۵: ۱، ص ۳۶-۳۷).

اما بلعمی، پروردن ماکیان و خروس و خانگی کردن آنها را به کیومرث منسوب می‌کند: کیومرث روزی از شهر بیرون آمد "وقت نماز پیشین بود، یکی خروس سپید دید بر میان (راه) ایستاده، و یکی از ماکیانی به دم اوی و ماری پیش خروس و آهنگ او کرده و خروس بر مار (حمله) همی

نبرد با اهریمن و آفریده‌های او بود: "دادن مرغان همه به دشمنی دیوان و خرفستران آفریده شده‌اند. چنین گوید که "مرغان دشمن خرفستران و جاودان‌اند. این را نیز گوید که مرغان همه زیرک- اند، کلاغ (از همه) زیرک‌تر است" (فرنبنگ دادگی ۱۳۶۹، ص ۱۰۲). تمام جانوران پنجگانه خوردنی‌اند "به جز سگ و سارگر (=سار کوهی) و کلاغ سیاه و کرکس، بقیه را می‌توان خورد. سگ را بدین جهت، (نباید خورد) چون (از) نطفه ی کیومرث چیزی در اوست و تن سارگر و کلاغ سیاه و کرکس همه ناپاک است و برای خوردن مردار، آفریده شده‌اند" (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۵۵). پرندگان به سبب آنکه آفرینش ایزدی دارند و برای هدفی ایزدی آفریده شده‌اند، مقدس‌اند و تقدس آنها به سان دیگر جانوران پنجگانه است و ستم بر آنها گناهی است که توبه را ناچار می‌کند (رک: جانوران پنجگانه). با این حال، مانی (۱۳۷۹، ص ۲۴) پرندگان را از ساکنان دوزخ مانوی توصیف می‌کند. شمار پرندگانی که در متون باستان، میانه و نو نام برده شده‌اند و اوصاف آنها بسیار زیاد است، اما آن مقدار که با اسطوره ی آغاز پیوند داشته باشد، این است:

### ۱-۳. شاهین

شاهین پرندۀ ای است ایزدی و اگرچه هر مزد از خونریزی های شاهین ناخشنود بود، او را آفرید تا از زیانی بزرگ‌تر که اهریمن می‌توانست برساند، جلوگیری کند. هنگامی که هر مزد شاهین را آفرید، به او گفت که رنج من از تو بیش است



## ۳-۳. پرندگان و فال

جغد را به فال بد داشتن، منسوب به روزگار کیومرث و کشته شدن پسرش، پشنگ به دست دیوان است (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۱۵/۱). بانگ به هنگام خروس را به فال نیک داشتن و بانگ نابه هنگام او را به فال بد داشتن منسوب به روزگار کیومرث است (همان، ۱۱۷/۱، ۱۱۸؛ نیز رک: "خانگی و دست آموز کردن پرندگان").

## ۴. خر

در منابع دوره‌ی باستان و میانه ذکر جانوری شگفت آور، ساکن دریای فراخکرت آمده است که "خر سه پا" نام دارد (یسنا، ۲۵۳۶. هات ۴۲، بند ۴؛ مینوی خرد، ۱۳۵۴، ص ۸۱؛ فرنیغ دادگی، ۱۳۶۹، صص ۱۰۲-۱۰۱). این جانور، هیأتی ترکیبی دارد و سودش برای آفرینش ایزدی بسیار زیاد است؛ با اهریمن می‌ستیزد و جهان را پاکیزه و تطهیر می‌کند (همان، صص ۱۰۲-۱۰۱). "خر سه پا در میان دریای ورکش می‌نشیند و هر آب (آلوده) به لاشه و دشتان (= حیض) و کثافت‌های دیگر که ببارد چون به خر سه‌پا رسد، همه را با نگاه پاک و پاکیزه کند" (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۸۱) و عنبر از گمیز و سرگین اوست (همان، ص ۱۰۲). اما آنچه در زبان فارسی نام "خر" برایش مستعمل است، به کلی متفاوت با خر سه‌پای متون میانه و باستان است. طهمورث خر را بر اسب افکند و استر به وجود آمد و او رسم بار نهادن بر حیوانات از جمله شتر و خر و استر را آورد (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۲۹/۱؛ رک: "شتر"). بر این اساس، خر در روزگار طهمورث شناخته شده بوده و از

برد و به غلبه او همی زد هرباری (خروس) مار (را) بزدی بانگی خوش بکردی، پس آن دیدار و بانگ (و) حرب، کیومرث را خوش آمد و گفت: از مرغان این عجب مرغی (است) بر جفت خویش مهربان که او را همی دور دارد و از قبل او حرب همی کند با دشمن فرزند آدم، طبع این با طبع مردم، نزدیک است. پس کیومرث، با سنگی مار را بزد و بکشت، آن مرغ بدان مقدار الهام که او را بود، بانگ بکرد به نشاط، کیومرث را سخت خوش آمد، طعامی که داشت پاره ای پیش وی انداخت. آن مرغ سر بر زمین گرفت و جفت را بخواندن بگرفت و هیچ نخورد، تا این ماکیان فراز نیامد و آن علف نخورد، کیومرث (گفت) با این هنر (ها) و طبع، سخاوت (نیز) دارد و به فال نیک است این مرغ که من همی به طلب دشمنان شوم و یکی دشمن فرزند آدم، مار است، این با مار حرب همی کند، این فرخ مرغی است و داشتن (او) واجب است؛ چون از آن حال خویش که همی شد، بپرداخت، خروس و ماکیان را ببرد به میان فرزندان خویش و گفت ایشان را نیکو دارید که طبع او با طبع آدمی نزدیک است (و) به فال نیک است و عجم خروس را و بانگ او به وقت، خجسته دارند، خاصه خروس سپید را و چنین گویند که خانه ای که اندر باشد دیوان اندر نیابند، و آنکه بانگ خروس را به نماز شام بد (د) ارند و به فال گویند نه نیک است... (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۱۷/۱، ۱۱۸). در باب فریدون نیز میخوانیم که "کبوتر و مرغابی را از دشت به شهر او آورد" (گردیزی، ۱۳۴۷، ص ۶).

حیوانات بارکش، پاره‌ای باشد از یک روایت کهن تر گم شده که جامع به کارگیری حیوانات سواری و بارکش بوده است:

ز پویندگان هرچه بد تیزرو  
خورش کردشان سبزه و کاه جو  
(فردوسی، ۱۹۵۶: ۳۶/۱)

#### ۸. فیل

از آغاز رام کردن فیل در روایات ایرانی خبر داریم و آن به فریدون منسوب است: "فریدون اولین کسی بود که فیل را رام کرد و از آن سواری گرفت" (ابن اثیر، ۱۳۴۹، ص ۱۹). "فیل را او از صحرا به شهر آورد و مسخر کرد" (گردیزی، ۱۳۴۷، ص ۶). "نخستین کسی که بر پیل نشست او بود از ملکان و پیل را حرب فرمود" (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۴۸/۱).

#### ۹. گاو

گاو و گوسفند، نام مطلق جانوران پنجگانه است که جانوران سودمند و ایزدی به شمار می‌روند و اعم از ماهی و پرندگان و چرندگان رها و چرندگان اهلی و خزندگان بی زیان‌اند. (رک: جانوران پنجگانه)، اما امروزه و در زبان فارسی، گاو و گوسفند هر یک به جانوری خاص تخصیص یافته‌اند. واژه‌ی گوسفند از دو جزء تشکیل شده است: گاو + سپنت و معنای آن، گاو پاک است (یشت‌ها، ۱۳۷۷: ۷۰/۱) و گاو یا گئوش، نام مطلق جانوران سودمند است که همان جانوران پنجگانه‌اند (رک: "جانوران پنجگانه"). در زبان فارسی، میان این دو واژه مرزبندی شده است و گاو و گوسفند هر یک برای جانور

سوی دیگر، فردوسی، طهمورث را اهلی کننده‌ی حیوانات تیزرو معرفی می‌کند (فردوسی، ۱: ۳۶/۱۹۶۵) و دور نیست که آغاز اهلی کردن و به کار گرفتن خر نیز در روزگار طهمورث بوده باشد.

#### ۵. سگ

سگ از جانوران پنجگانه است (رک: جانوران پنجگانه) و در شمار دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه گوسفندی است که از منی گاو یکتا آفریده پدید آمدند، آنگاه که آن گاو از تاخت اهریمن کشته شد (روایت پهلوی ۱۳۶۷، صص ۵۵-۵۴). "سگ را گوید که از ستاره پایه است، که از آن ناحیت ستاره‌ی هفت اورنگ است و او را برای پاسبانی گوسفندان (به فاصله) یوجیستی از مردمان فراز آفرید، چونان آمیزه‌ای از جانوران و مردمان. از آن روی سگ خوانده شود که سه یک از او از مردمان است" (فرنبغ‌دادگی، ۱۳۶۹، ص ۷۹). سگ، سارکوهی، کلاغ سیاه، و کرکس گوسفندانی‌اند که نباید خورده شوند هر یک به سببی و سبب ناخوردنی بودن سگ آن است که از "نطفه کیومرث چیزی در اوست" (روایت پهلوی ۱۳۶۷، ص ۵۵).

#### ۶. شاهین (رک: "پرندگان")

#### ۷. شتر

در باب شتر، تنها خبر از به کارگیری آن داریم که به روزگار طهمورث منسوب است و طهمورث نخستین کسی بود که بر شتر و خر و استر بار نهاد (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۲۹/۱). شاید این بیت فردوسی که در باب حیوانات سواری است، نه

تعلقی به ماه، همه همان است که در فصل جانوران پنجگانه یاد شد و درست آن است که آنچه درباره‌ی آفرینش جانوران پنجگانه نگاشتیم، در اصل متعلق به گاویکتا آفریده است.

گاویکتا آفریده همراه با مرد یکتا آفریده، یعنی کیومرث، آفریده شد و این دو منبع و منشاء تمام جانوران ایزدی و انسان‌ها بودند: "از برای گاو (نخستین جانور)، از برای گیو (کیومرث=نخستین بشر)" (ویسپرد، ۲۵۳۷:کرده ۲۱، پاره ۲).

گاویکتا آفریده، مانند تمام آفریدگان هرمزد، در نبرد با اهریمن شرکت دارد. چون اهریمن از سه هزار سال بیهوشی برخاست، به آفرینش ایزدی، به آسمان و زمین و آب و گیاه و کیومرث و گاو و گیاه تاخت (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹، صص ۵۴-۵۱) و آنها را تباه کرد (همان، ۹۲). پس هرمزد، هرکدام از آنها را به معادل آسمانی‌شان برد (همان، صص ۷۰-۶۹). در نبردهای دهگانه اهریمن با آفرینش ایزدی، نبرد پنجم با گاویکتا آفریده بود (همان، صص ۶۶-۶۵). "پیش از آمدن بر گاو، هرمزد منگ درمان بخش را که بنگ نیز خواند، برای خوردن به گاو داد و پیش چشم (وی) بمالید که تا او را از نابودی و بزه، گزند و ناآرامی کم باشد. در زمان، نزار و بیمار شد و شیر (او) برفت، درگذشت" (همان، صص ۵۲). چون گاو کشته شد، به سوی نیمروز بر دست راست افتاد و نخست پای راست را بر هم برد. هرمزد تن و آیینی گاو را به ماه سپرد و ماه به روشنگری بر کیهان تافت. ماه، گوسفند تخمه است؛ زیرا که آیینی و تن گاو و گوسفند در آن و در ماه پایه

سودمند ویژه‌ای به کار می‌روند؛ اما در ترجمه-هایی که از متون باستان و میانه به فارسی شده است به نظر می‌رسد که اتخاذ واژه‌های گوسفند، گاو، جانور سودمند، ستور و... بیشتر به تصمیم مترجم بستگی داشته باشد.

### ۱۰. گاو یکتا آفریده

گاو یکتا آفریده (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹، صص ۵۳)، نامی است برای نخستین گاو که پدر تمام گاوان (=) جانوران سودمند) بود. حمزه اصفهانی (۱۳۴۶ صص ۶۱) نام او را "ابوداد" خوانده است که ظاهراً باید "ابودام" باشد، یعنی پدر چارپایان (حمزه اصفهانی)

"۱۵- گاو را از دست راست آفرید و آن را در ایرانویج فراز آفرید و بالا و پهنایش  $\langle$ به اندازه  $\rangle$ - پنج مرد بود و هنگامی که اهریمن آمد، در جایی مُرد و نطفه‌اش در جایی به زمین رسید و هرمزد همه‌ی انواع گوسفندان از آن نطفه بکرد. نخست از هر نوعی یک نر و یک ماده بساخت و آنگاه پیوند از ایشان برفت (=نسل آنها ادامه یافت). خوشی و راحتی ایشان از آب و علف و آغل نیک به تمامی زمستان و تابستان است. دشواری ایشان از آن است که آنها را به ستم بکشند، به ستم به کار گیرند و آب و علف و آغل بدیشان ندهند. دشمنان آن  $\langle$ نوع  $\rangle$  را بگیرند و یوز و گرگ از آن باز ندارند. ۱۶- گوسفند دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه است..." (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، صص ۵۵-۵۴).

نحوه‌ی آفرینش گاویکتا آفریده، شرکت گروهی از ایزدان در آفرینش او، جوهر و عرض او و

همچنین انواع گیاهان و به ویژه گیاهان دارویی روئید (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۷۸).

یک نکته‌ی جالب در باب گاویکتا آفریده آن است که حمزه‌ی اصفهانی، حتی نام خاص او را هم ذکر کرده است: "نخستین جاننداری که خدا آفرید، مردی و گاوی بود که بی‌آمیزش نر و ماده به وجود آمدند، نام مرد کیومرث (کهومرث) و نام گاو ابوداد بود" (حمزه‌ی اصفهانی، ۱۳۶۴، ص ۶۱)، اما شاید این نام تصحیف ابودام باشد؛ یعنی پدر ستوران.

#### ۱۱. گوسفند (رک: "گاو")

#### ۱۲. ماهی

ماهی از جانوران پنجگانه است (رک: "جانوران پنجگانه") و پیدایش آن مانند سایر جانوران پنجگانه از گاو یکتا آفریده است (رک: "گاویکتا آفریده"). روایت پهلوی ماهی را جزء دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه گوسفندی می‌شمارد که از گاویکتا آفریده پدید آمدند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۵۵) بندهش از جفتی ماهی خبر می‌دهد که در دریای فراخکرت، گرداگرد هوم می‌چرخند و آن را از آسیب دو وزغ دریایی اهریمن آفریده حفظ می‌کنند (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹، صص ۱۰۱-۱۰۰) و مینوی خرد نیز چنین می‌گوید: کرماهی، پیوسته پیرامون هوم در دریای ورکش می‌شود و آن را از وزغ و حیوانات موذی محافظت می‌کند و و به همراه ۹۹۹۹۹ فروهر پارسایان مراقب هوم است (مینوی خرد، ۱۳۵۴، ص ۸۱). این کرماهی می‌بایست وال باشد (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۸). آبستن شدن ماهیان

است (همان، ۶۹) و اگر گاو به ماه نمی‌رفت و کیومرث به خورشید نمی‌رفت، روشنی بر گیتی نمی‌تافت و دیوان بر فرّه دست می‌یافتند (همان، ۷۰) چون گاویکتا آفریده از تاخت اهریمن کشته شد، گوشورون که روان گاویکتا آفریده است، از تن گاو بیرون آمد، پیش گاو بایستاد و چون یک هزار مرد که به یکبار بانگ کنند، به هرمزد گله کرد که: "تو سالاری- آفریدگان را به که بهشتی که زمین را لرزه در افتاد، گیاه خشک و آب آزرده شد. کجا است آن مرد که گفتی (می) آفرینم تا پرهیز بگوید؟ پس گوشورون به ستاره پایه رفت و بعد به ماه پایه و تا خورشید پایه رفت و به همان سان شکوه کرد (همان، ص ۵۳) و سرانجام هرمزد، فروهر زرتشت را به او نمود که او خواهد آمد و گوشورون آرام گرفت و در ساختن دام در جهان همدستان شد (همان، ص ۵۴). چون گاویکتا آفریده مرد، هرمزد منی او را به ماه برد و پالود و جانوران را از آن ساخت: "چنین گوید که من به سبب ارجمندی گاو، (او را) دو بار آفریدم. یک بار به (صورت) گاو و یک بار با جانور پرگونه" (همان، ۷۸) و منظور از جانور پرگونه همان است که در روایت پهلوی می‌خوانیم: "گوسفند دویست و پنجاه و دو نوع و پنج گونه است" (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۵۵) و همه از آن نطفه‌ی گاویکتا آفریده پدید آمدند که بر زمین ریخت آنگاه که اهریمن بر گاو تاخت و او را کشت (همان، ص ۵۴). از کشته‌ی گاویکتا آفریده،

روزگاران تازه‌تر به سبب گناهی که در زمین کرده شد، پدید آمدند، از قبیل یوز و کَشَف (رک): "پیدایش خَرَفَسْتَران".

### پیدایش خَرَفَسْتَران

هنگامی که اهریمن از بیهوشی سه هزار ساله‌اش برخاست و به آفرینش ایزدی تاخت آورد (فرنغ دادگی، ۱۳۶۹، صص ۵۲-۵۱)، در تاختن به زمین "خَرَفَسْتَران را بر زمین هشت. خَرَفَسْتَران گزنده و زهر آگین چون اژدها، مار و کژدم و چلباسه و سنگ‌پشت و وزغ، آن‌گونه از او تنومند پدید آمدند، که (به اندازه) تیغ سوزنی زمین از خَرَفَسْتَران رها نشد. (مینوی) زمین گفت "آن کینه‌توزان را بدین دهشی که دادند، کین من خواهد رسید" (همان، صص ۵۲). پس در نبرد دوم اهریمن و آفرینش ایزدی که نبرد آب بود (همان، صص ۶۵-۶۳)، تشر آن اندازه باران بارید که آب به بلندی یک مرد بر زمین ایستاد و همه خَرَفَسْتَران کشته شدند، مگر پردارها و آنها که به سوراخ‌های زمین فرو رفتند و زهر خَرَفَسْتَران کشته‌شده در زمین رسوخ کرد، پس تشر برای پاک کردن آن زهر ده شبانه‌روز باران بارید، آن زهرها شسته شد و به دریا رفت و دریاها از آن پس "شورتر" شدند. خَرَفَسْتَرانی که در زمین ماندند، تخم دیگر خرفستران از آنها پدید شد (همان، صص ۶۴). برخی گونه‌های خَرَفَسْتَران در روزگاران جدیدتر پدیدار شدند: ۱. "...درباره‌ی جم پیداست که چون فرّه‌ی خدایی (=پادشاهی) از او بشده بود (=دور شد) با جمک، خواهرش، از انجمن ضحاک مردمان، دیوان و

از بانگ کردن گاو آبی است و چون او بانگ کند تمام ماهیان آبستن شوند و خرفستران بار بیفکنند (همان، صص ۱۰۲).

### خَرَفَسْتَران

خَرَفَسْتَر نامی است برای هر جانور اهریمنی. ظاهراً اهریمنی انگاشتن برخی از جانوران، گاه به سبب زیان‌رسانی آنان و گاه، صرفاً به سبب زشتی یا حتی غریب بودن پیکره‌ی برخی جانوران بوده است. در برابر خَرَفَسْتَران، جانوران پنجگانه قرار دارند که به نام‌های گاو یا گوسفند نیز خوانده شده‌اند و شامل تمام جانوران ایزدی‌اند.

خَرَفَسْتَران، برساخته‌های اهریمن و به‌سان ابزارهای او برای درتاختن به جهان روشنی به شمار می‌رفتند و غایت کار آنان، نبرد با جانوران هرمزدآفریده و نابود ساختن آنان بوده است، اما هرمزد به همه‌آگاهی دانست که اهریمن درتازد و چه و چند افزار به کار آورد، پس جانوران را به پیکر گیتیک درآورد و هر یک را پایگاهی داد تا برای نبرد با اهریمن و برساخته‌های او آماده باشند. برخی از خَرَفَسْتَران را اهریمن برساخت تا جانوران ایزدی را براندازد از قبیل اژدها و کژدم و برخی را نیز می‌خواست بسازد، اما هرمزد با آفرینش جانوران زیان‌آور-اما کم‌زیان- تر از خَرَفَسْتَران-جای این گروه از خَرَفَسْتَران را در طبقات هستی پرکرد و اهریمن را در ساختن خَرَفَسْتَرانی از این دست، ناکام گذاشت، چنان‌که اهریمن می‌توانست گرک پردار بسازد، اما هرمزد با ساختن شاهین، از این کار جلوگیری کرد (رک: "مقدمه"). برخی دیگر از خَرَفَسْتَران نیز در

خرفستران و گناهکاران را بدان زند و کشد(تا) کرفه مندتر(شود)"(فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱) و غن یا مارغن، چوبی است با چرمی بر سر آن برای کشتن خرفستران (همانجا). خرفستران از عملی عذاب در دوزخ اند: "دیدم روان زنی که با پستان به دوزخ آویخته بود و خرفستران همه تن او می جویدند" (ارادیراف نامه، ۱۳۷۲، ص ۶۵)

### گونه های خرفستران

#### ۱. اژدها:

به نظر می‌رسد که اژدها در باور قدما، مار بسیار بزرگ یا مار بسیار بزرگ شده باشد، چنان‌که مکمونی قزوینی در عجایب المخلوقات (۱۳۴۰، ص ۱۴۱) می‌نویسد: "اژدها که ماری باشد عظیم و بری از دواب هر چه بیند خورد". گرشاسب نیز در ذکر کرفه‌کاری هایش می‌گوید: "اژدهای شاخدار اسب اُوبار (=بلعنده اسب) و مرد اُوبار را کشتم که دندانش به اندازه‌ی بازوی من بود و گوشش به اندازه‌ی چهارده نمد (؟) بود و چشمش به اندازه‌ی گردونه‌ای بود و بلندی شاخش به اندازه‌ی شاخه‌ای بود. ۶. به اندازه نیمروز به پشت (او) همی تاختم تا سر(ش) را به سمت گرفتم و گریزی برگردنش زدم و او را کشتم" (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۳۰). از این توصیف، تصور مار با شاخ و پر نیز به ذهن می‌آید که حاصل از بزرگ شدن مور و گردیدن آن به مار و سپس به مار با شاخ و پر است (رک: "مار با شاخ و پر"). در باب اژدها در بندهش می‌خوانیم: چون اهریمن از گیجی سه هزار ساله برخاست "خرفستران را بر زمین هشت.

پریان گریخت و به دریاچه زره رفت. ۲. ایشان را در دوزخ جست‌وجو کردند، ندیدند. ۳. پس اهریمن گفت که: "چنین اندیشم که جم در دریاچه‌ی زره‌ی همی رود". ۴. دیوی و پری اندر ایستادند (=اصرار کردند) که: "ما برویم و جم را بجویم". ۵. و دیدند و رفتند و هنگامی که به آن دریاچه رسیدند که جم بود، آب آن دریاچه تیره شد و جم گفت: "شما کیستید؟" ۶. ایشان گفتند که: "ما آنیم که چونان تو که از دست دیوان گریختی، ما نیز از دیوان بگریختیم و مانند یکدیگر هستیم. ۷. و تو این خواهر را به زنی به من ده تا من نیز این (=خواهر) را به تو دهم". ۸. و جم، چون دیو از مردم باز شناخته نشدند، پری را زن خویش کرد و خواهر به زنی به دیو داد. ۹. و از جم و آن پری، خرس، میمون و گندرو و برگوش (=گوش بر سینه) زاده شدند و از جمک و آن دیو، لاک‌پشت، چلباسه‌ی زهردار و یوز و کشف و نیز بسیار خرفستر دیگر زاده شدند..." (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۷). خلاصه‌ای از این روایت در بندهش نیز آمده است (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۸۴). برای نابود کردن خرفستران، پرندگان آفریده شدند: "... ددان مرغان همه به دشمنی دیوان و خرفستران آفریده شده‌اند. چنین گوید که مرغان "دشمن خرفستران و جاودان-اند" (همان، ص ۱۰۲). کشتن خرفستران، مایه ثواب است و هرکه چنین کند "فره‌ی آبها، آذرها و آتش‌ها، گیاهان و نیز فره‌ی زمین به بلندی و درخشانی" از او می‌تابد (ارداویراف‌نامه، ۱۳۷۲، ص ۵۷) و "هر بهدین یکی غن باید داشتن که

از ازدواج آنان پدید آمد. از جمله خرس بیشه‌ای دنب دار، بدون تعیین اینکه هر کدام از جانوران اهریمنی از کدام ازدواج پدید آمدند (فرنبنگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۵۳).

## ۲. برگوش

خرفستران گزنده و زهر آگین، چون اژدها، مار و کژدم و چلپاسه و سنگ پشت و وزغ" (فرنبنگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۵۳).

برگوش یا گوش بر سینه از ازدواج جمشید و پری پدید آمد، آنگاه که جمشید و جمک از ضحاک گریختند و به آب زره شدند و نهانی می‌زیستند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۷، رک: "خرفستران").

## ۳. چلپاسه (رک: "خزندگان")

## ۴. حشرات

حشرات زیان‌رسان به سبب آنکه خویشکاری اهریمنی دارند، از خرفستران‌اند و اهریمن آفریده‌اند (رک: "خرفستران"). حتی برخی از آنها که عرفاً بی‌آزار به حساب می‌آیند، باز از شمار خرفستران‌اند، مانند مور که حکیم فردوسی آن را با صفت "دانه کش" یاد می‌کند. اما همین دانه-کشی یا، به تعبیر دقیق‌تر، دانه دزدی، به حال ایرانیان که مردمی کشاورز بودند، زیان آور بود و از همین رو، مور نیز از خرفستران به حساب آمده است (رک: "مار با شاخ و پر").

## ۵. خرس

از ازدواج جمشید و پری به وجود آمد؛ در آن روزگار که جمشید و خواهرش جمک از ضحاک متواری بودند و نهانی در دریای زره می‌زیستند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۷؛ رک: "خرفستران"). اما مطابق روایت بندهش جم و جمک هر دو با دیو ازدواج کردند. جمشید دیوی را به زنی گرفت و جمک زن دیوی شد و بسیار خرفستران

## ۶. خزندگان

خزندگان، منهای آن‌گونه‌ها که زیان‌آورند، از جانوران پنجگانه برشمرده شده‌اند و آفرینش آنها به سان همه جانوران پنجگانه است (رک: "جانوران پنجگانه")؛ با این حال، مانی "خزنده‌ی زمینی" را از جانداران ساکن در دوزخ می‌داند (مانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

## ۶-۱. چلپاسه

از ازدواج جمک و دیو پدید آمد؛ آنگاه که جم و جمک از ضحاک گریختند و نهانی در آب زره می‌زیستند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۷؛ نیز رک: "خرفستران"). در بندهش آمده است که چون اهریمن از گیجی سه هزار ساله برخاست و به آفرینش ایزدی تاخت "خرفستران را بر زمین هشت، خرفستران گزنده و زهر آگین، چون اژدها، مار و کژدم و چلپاس (نوعی سوسمار زهر آگین) و سنگ شست و وزغ" (فرنبنگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۵۲).

## ۶-۲. مار

ماز از آفریدگان اهریمن است و به همین سبب دروغ را به مار تشبیه کرده‌اند: "دروغ مار چهره" را اوشیدرماه بزند و نابود کند (زند بهمن یسن، ۱۳۷۰، ص ۱۸). ذکر مار در فهرست "خرفستران" آمده است (رک: "خرفستران"). نیز چون اهریمن از گیجی سه هزار ساله برخاست، انواع

خرفستران زهردار را بر زمین ریخت که از جمله-  
ی آنها مار بود (فرنبغ دادگی، پیشین، ص ۵۲).

### ۶-۳. مار با شاخ و پر

مار بالدارپرنده، از تصورات و باورهای رایج در  
تما جهان قدیم است و هرودوت نیز درباره ی آن  
گزارش داده است. چنانکه هرودوت روایت می  
کند، مسکن این مارها در عربستان است و بر  
درختان کندر می پیچند و به مصر در فصلی معین  
هجوم می آورند (هرودوت. ۲۰۳/۲) و این فصل  
معین، بهار است و لکلکها راه آنها را سد می-  
کنند و شکارشان می کنند (همو، ۱۶۸). هرودوت  
شنید که در شهر بوتو در عربستان، مار بالدار  
هست و چون به این شهر رفت، تل‌هایی عظیم از  
ستون فقرات آن مارها دید (همو، ۱۶۷). آنچه از  
گزارش هرودوت بر می آید، مراد بالدار است، اما  
از متون ایرانی، ماری که بال و شاخ دارد، مستفاد  
می شود: "هرمزدا گفت که مور و مار هر یک از  
ایشان دو هزار سال زیند، مور به یک هزار و  
سیصد و سی و سه سال (مار شود). با مار پر  
روید، زمانیکه پر او رسته شود، پس شاخ مار  
روید" و مور و مار، طویل‌العمرترین آفریدگان  
اهریمن‌اند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۲۴؛ رک:

"ازدها").

### ۷. سنگ پشت (رک: "کشف")

### ۸. کپی

"چون فرّه از جم بشد، به سبب بیم از دیوان،  
دیوی را به زنی گرفت و جمک خواهرش را به  
زنی به دیوی داد. کپی (نوعی میمون سیاه) و  
خرس بیشه‌ای دنب‌دار و دیگر سرده‌های تباہ

کننده از ایشان نبود و پیوند او نرفت" (فرنبغ  
دادگی، پیشین، ۸۴). مطابق روایت پهلوی نیز چون  
جمشید و خواهرش جمک از ضحاک گریختند و  
به آب زره شدند و نهانی زیستند، جمشید با پری  
ازدواج کرد و خواهرش را به دیوی داد و از  
ازدواج جمشید و پری کپی و برخی دیگر از  
خرفستران پدید آمد (روایت پهلوی ۱۳۶۷، ص ۷؛  
رک: "خرفستران").

در بندهش، آفرینش کپی به گونه‌ای دیگر نیز  
روایت شده است که البته منافاتی با آنچه پیش از  
این گفته شد ندارد. بر اساس این روایت، هرمزد  
مردم را به ده‌گونه آفرید از عالی تا سافل؛ گونه ی  
عالی، کیومرث بود و دهم گونه کپی (بوزینه) بود:  
"در دین گویند که من مردمان را ده گونه فراز  
آفریدم: نخست آن کیومرث روشن و سپیدچشم  
است تا ده گونه که یکی (همان) کیومرث است و  
(تا) نهم از کیومرث باز بود. دهم کپی است (که  
از) مردمان فروترین خوانده شد" (فرنبغ  
دادگی، پیشین، ص ۸۰).

### ۹. کشف

روایت پهلوی، کشف و لاک پشت را جدا از هم  
ذکر کرده است و آن دو را زاده‌ی ازدواج جمک  
و دیو می‌داند (۱۳۶۲ ص ۷؛ رک: "خرفستران").  
در بندهش آمده است که چون اهریمن از گیجی  
سه هزار ساله برخاست، انواع خرفستران را بر  
زمین هشت که از جمله‌ی آنها سنگ پشت  
بود (فرنبغ دادگی، پیشین، ص ۵۲).

### ۱۰. گرگ



آفریده و آب را استخراج کنیم و این همراهی در بسیاری از روایات مربوط به گندرو تکرار می‌شود. از جمله در شاهنامه می‌خوانیم که ضحاک، وزیری داشت به نام "گندرو" (فردوسی، ۱۹۶۵: ۷۱/۱) و پورداوود حدس می‌زند که این گندرو همان گندرو باشد که به دست گرشاسب کشته شد (یشت ها، ۱۳۷۷: ۲۰۱/۱، ۲۰۰). هرچند که فردوسی با وجه تسمیه‌ای که برای گندرو ارائه می‌کند، خلاف این حدس را می‌رساند:

ورا گندرو خاندندی به نام  
به کندی زدی پیش بیداد گام  
(فردوسی، ۱۹۶۵: ۱۷/۱)

زیرا با این وجه تسمیه، تلفظ گندرو و گندرو متفاوت می‌شود، اما می‌توان فرض کرد وجه تسمیه‌ای که فردوسی ارائه می‌کند، اشتباه باشد و در زبان فارسی بر اثر ندانستن تلفظ و ریشه‌ی صحیح گندرو (gandreva) پدید آمده باشد و از این لحاظ، حدس پورداوود صحیح است و مطابق نظر ما همراهی ضحاک و گندرو در روایت پهلوی وجود داشت، در این مورد نیز تکرار می‌شود. در باب گندرو روایت دیگری نیز هست که همراهی آب و گندرو در آن تکرار می‌شود. گرشاسب در پیشگاه هرمزد در شرح کرفته-کاری‌هایش از کشتن اژدها یاد می‌کند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۲۹) و سپس به ذکر کشتن گندرو می‌پردازد: "گندرو را بکشتم که به یکباره دوازده ده را جوید. ۱۰. چون اندر دندان گندرو بنگریستم، پس مردم مرده به دندانش آویخته بودند. او ریش مرا گرفت و مرا به دریا کشید. ما

از آفریدگان اهریمن است (همو، ۸۱، ۱۰۰، ۹۹). اهریمن کیشان گاه به پیکر گرگ متجلی می‌شوند و در هزاره‌ی اوشیدر نیز از به هم پیوستن تمام گرگ سردگان، دیوی عظیم و زهردار پدید می‌آید مردم به رهبری اوشیدر او را می‌کشند (روایت پهلوی، ۱۳۶۲: ۵۸).

### ۱۱. گرگ پردار

هرمزد چون شاهین را آفرید، گفت رنج من از تو بیش است، چرا که کار تو همه کشتن مرغان است و کام اهریمن بیش‌ورزی تا کام من "اما اگر تو، مرغ شاهین، را نمی‌آفریدم، آنگاه اهریمن گرگ‌پردار را به سان تن تو می‌آفرید و نمی‌گذاشت آفریدگان زیست کنند" (فرنیغ دادگی، پیشین، ص ۷۸)

### ۱۲. گندرو

آنگاه که ضحاک بر جم پیروز شد و جم خواهرش جمک از او گریختند و نهانی در آب زره می‌زیستند، به امر ضحاک، دیوی و پری‌ای نزد جم و جمک رفتند و آن دو را فریفتند. جم با پری ازدواج کرد و جمک با دیو و انواع خرفستران و موجودات تباہ کننده زاده شدند (روایت پهلوی، ۱۳۶۲، ص ۷). بندهش نیز همین روایت را نقل می‌کند با برخی فرقه‌ها در جزئیات (فرنیغ دادگی، پیشین، ص ۸۴؛ رک "خرفستران"). مطابق روایت پهلوی، از ازدواج جمشید و پری، جاندارانی اهریمنی زاده شدند، از جمله گندرو. روایت پهلوی آگاهی بیشتری در باب گندرو نمی‌دهد، اما از همین مقدار می‌توان همراهی ضحاک اهریمن کیش، گندروی اهریمن

که او داشتی گنج و تخت و سپاه  
 شگفتی به دلسوزی کدخدای  
 ورا کندرو خواندندی به نام  
 به کندی زدی پیش بیداد گام  
 (فردوسی، ۱۹۶۵: ۷۱/۱)  
 ۱۳. لاک پشت (رک: "کشف")  
 ۱۴. مار ("خزندگان")  
 ۱۵. مار با شاخ و پر (رک: خزندگان)  
 ۱۶. موش: مطابق یسنا موش از جانداران اهریمن  
 آفریده است و گونه‌ای پری آسیب‌رسان است  
 (یسنا، ۲۵۳۶: هات ۱۶، بند ۸). نیز موش پری  
 ذنب‌دار، از اقسام ستارگان دنباله‌دار و ملحق به  
 اباختران است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۲)  
 ۱۷. میمون (رک: "کپی")  
 ۱۸. وزغ  
 از خرفستران و آفریدگان اهریمن است. پلیدیش  
 چنان است که او را غذای اهل دوزخ کرده‌اند:  
 "ایشان را خورش، گند و نجاست وزغ است و  
 (به) دیگر بدی‌ها آباد" (فرنبرگ دادگی، پیشین،  
 ص ۱۲۲). اهریمن در دریای فراخکرت، وزغی  
 آفرید تا به درخت هوم آسیب بزند، اما دو  
 کرماهی هرمزد آفریده گرد هوم می‌چرخند و آن  
 را محافظت می‌کنند (همان، صص ۱۰۱-۱۰۰ اریال  
 نیز رک: "ماهی"). این وزغ ظاهراً هشت‌پا است  
 و از این لحاظ دایره‌ی شمول وزغ بیش از آن  
 است که امروزه در زبان‌فارسی به کار می‌رود  
 (رک: فرنبرگ دادگی، پیشین، ص ۱۸۸). در بندهش  
 آمده است که چون اهریمن از گیجی سه هزار

نه شبانه روز در دریا کارزاد داشتیم. پس من از  
 کندرو نیرومندتر بودم" (همان، ۳۰) این دریا به  
 احتمال بسیار زیاد، همان آب‌زره است که  
 جمشید و جمک نهانی در آن می‌زیستند و همان-  
 جا جمشید با دیوی ازدواج کرد و کندرو پدید  
 آمد. می‌دانیم که خط سیر گریز جمشید از  
 ضحاک، به سمت مشرق بود (تاریخ سیستان ۲؛  
 خیام، ۱۳۸۲ ص ۲۶) و سرانجام نیز جمشید در  
 دریای چین دستگیر شد (همان ۱/۴۹ : ۱۹۶۵).  
 گرشاسب نیز از پهلوانان مشرق ایران است. آب  
 زره نیز از نیز از دریاچه‌های شرقی ایران است  
 (یشت‌ها، ۱۳۷۷: ۲۸۹/۲ - ۳۰۲، مقاله "هامون")  
 و فردوسی نیز آن را در مکران که از سرزمین‌های  
 شرقی ایران است، ذکر می‌کند (فردوسی، ۱۹۶۵:  
 ۳۵۰/۵). در رام‌یشت نیز همراهی کندرو و آب را  
 می‌یابیم، آنجا که گرشاسب، برای اندروای، فدیه  
 می‌یابیم، و از او درخواست می‌کند تا پیروزش  
 کند بر "کندرو که در آب به سر می‌برد" (یشت  
 ها، ۱۳۷۷: رام یشت، فقره ۲۸) و سرانجام  
 گرشاسب بر کندرو پیروز می‌شود: "کسی که  
 کندرب زرین پاشنه را کشت که با پوزه‌ی گشوده  
 از برای تباه کردن جهان مادی راستی برخاسته  
 است" (همان، زامیادیش، فقره ۳۳۸) از این  
 فقره‌ی زامیادیش به یک همراهی دیگر نیز می-  
 رسیم و آن همراهی کندرو و زر است که در  
 روایت فردوسی نیز به چشم می‌خورد:  
 چو کشور ز ضحاک بودی تهی  
 یکی مایه ور بد به سان رهی

با این حال، پیدایش برخی از جانوران و خرفستران را باید در روزگاران تازه تر جست؛ چنانکه یوز و کشف، خرفسترانی بودند که در روزگاران تازه تر به سبب گناه مردمان پدید آمدند و استر، جانوری بود که به کرفه کاری (ثواب) مردمان در روزگار طهمورث پدید آمد.

### منابع

- ارداویراف نامه، ۱۳۷۲، ترجمه و تحقیق ژاله‌ی آموزگاه، شرکت انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه، تهران.

- بلعمی، ۱۳۵۳، تاریخ بلعمی (تکمله و ترجمه‌ی تاریخ طبری)، تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، کتابفروشی زوار، تهران.

- تاریخ سیستان، بی تا، تصحیح محمد تقی بهار، انتشارات کتابخانه‌ی زوار، تهران.

- ترجمه چند متن پهلوی، ۱۳۷۹، گزارش محمدتقی بهار، به کوشش محمد گلبن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- حمزه‌ی اصفهانی، ۱۳۴۶، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیاء)، ترجمه‌ی جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- خیام، عمر بن ابراهیم نیشابوری، ۱۳۸۲، نوروزنامه، به کوشش علی حسوری، نشر چشمه.

- روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ترجمه مهشید میرفخرایی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران.

- زند بهمن سین، ۱۳۷۰، ترجمه محمدتقی راشد، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران.

ساله برخاست انواع خرفستران را بر زمین هشت که از جمله آنها وزغ بود (همان، ۵۲)

### ۱۹. یوز

یوز حاصل از ازدواج جمک، خواهر جمشید با دیو بود. آنگاه که جمشید و جمک از ضحاک گریختند و به آب زره شدند و نهانی می‌زیستند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۱؛ رک: "خرفستران").

### نتیجه گیری

از آنچه تا بدین جا گذشت می‌توان نتیجه گرفت که ایرانیان باستان به تبع یک باور عام که هستی و تمام تغییرات آن را تابع کنش‌های دو نیروی نیکی و بدی در برابر هم تصویر می‌کرد، پیدایش جانوران را نمودی از خواست هرمزد برای آفرینش جهانی روشن، زیبا و سودمند می‌دانستند و، در برابر، پیدایش خرفستران را ناشی از کوشش اهریمن برای نابودی جهان روشن و نیک و یا، دست کم، آلودن آن به تاریکی و زشتی و زیان به شمار می‌آوردند، بر این اساس، جانوران که آفریدگان هرمزدند، در سه هزار سال نخستین آفرینش، که روزگار هستی روشن و آرام مینوی بود، به صورت مینوی آفریده شدند. پس در سه هزار سال دوم آفرینش، که آغاز آشنایی اهریمن پس‌دانش با آفرینش روشن هرمزد بود، خرفستران برساخته شدند تا افزارهای درتاختن اهریمن به جهان روشن باشند. هرمزد به پیش-دانشی دانست که اهریمن درتازد و چه و چند افزار آورد؛ پس جانوران را به پیکر گیتیک درآورد و هر یک را پایگاهی داد تا ساخته و آماده‌ی نبرد با اهریمن و برساخته‌های او باشند.

- یسنا، ۲۵۳۶، ترجمه ابراهیم پورداوود، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- یشت‌ها، ۱۳۷۷، تفسیر و تالیف ابراهیم پورداوود، انتشارات اساطیر تهران.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، ۱۹۶۵-۱۹۷۱، شاهنامه (۹جلد)، اداره‌ی انتشارات دانش، شعبه ادبیات خاور آکادمی علوم شوروی، مسکو.
- فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹، بندهش، گزارش مهرداد بهار، انتشارات طوس، تهران.
- گات‌ها، ۱۳۷۸، دو گزارش از ابراهیم پورداوود، انتشارات اساطیر تهران.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی، ۱۳۴۷، زین‌الخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مانی، ۱۳۷۹، شاپورگان، به کوشش نوشین عمرانی، انتشارات استاد، چ ۱، تهران.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۲، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مکموننی، زکریابن محمد مکموننی قزوینی، ۱۳۴۰، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، تصحیح و مقابله‌ی نصر الله سبّوحی، کتابخانه و چاپخانه‌ی مرکزی ناصرخسرو، تهران.
- مینوی خرد، ۱۳۵۴، ترجمه‌ی احمد تفضلی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ویسپرد، ۲۵۳۷، گزارش ابراهیم پورداوود، به کوشش بهرام فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران؛ تهران.
- هرودوت، ۱۳۳۶-۱۳۴۱، تاریخ هرودوت (۶جلد)، ترجمه‌ی هادی هدایتی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.